

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

تهمینہ مقدم  
۳۱ مارچ ۲۰۱۴

## ضرورت آموزش زبان مادری

مهمترین ابزار برای ایجاد رابطه بین افراد و برطرف کردن نیازمندی هائی از قبیل عاطفی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... می توان از زبان نام برد که همواره در حال تحول و تغییر است، به وسیله زبان است که انسان در ادوار تاریخی موجودیت پیدا کرد و توانست به بقای خود ادامه دهد. به وسیله زبان مشترک است که فرهنگ و هویت در جامعه بین افراد شکل می گیرد. اگر به هر دلیلی هر کسی نتواند به زبان اصلی خود سخن بگوید احتمال این که احساسات و همبستگی بین افراد در یک جامعه شکل نگیرد، بسیار زیاد است. هنگامی که فرد احساس کند به وسیله زبان نمی تواند اظهار وجود کند احساس سرخوردگی خواهد کرد و به مرور محافظه کار می شود.

از میان تمامی روابط انسانی رابطه بین کودک و مادر، مهمترین رابطه است که از بدو شکل گیری کودک به وجود می آید. به دلیل ماهیت این رابطه برای زیست و زندگی کودک زبانی که مادر با کودک خود تکلم می کند بسیار حائز اهمیت است.

مشخصاً آموزش سیستماتیک در مدارس کتابهای درسی کودکان به زبان غیر از زبان مادری کودک، صدمات جدی روحی و روانی به دنبال خواهد داشت.

بسیار مهم است که آموزش در دوران کودکی چگونه سازمان دهی شود.

کودکانی که با "زبان رسمی کشور" آشنا نیستند و قبل از آن فقط به زبان محلی و مادری خود سخن گفته اند، هنگامی که وارد فضای آموزشی می شوند دچار مشکلات بسیار و غیرقابل جبرانی می شوند. زیرا که از آنها خواسته می شود با زبانی که هرگز صحبت نکرده اند سخن بگویند و اجازه اعتراض هم ندارند. در این شرایط کودک یا مطیع بار می آید و یا این که پرخاشگر می شود. و به مرور احساس آرامش در کنار دیگران را از دست می دهد. خلاقیت و شکوفائی او از بین می رود و همواره نارضایتی در او بازتولید می شود. چرا که کودک احساس تحقیر و سرخوردگی می کند.

پدیده بازماندگی از تحصیل و افت تحصیل شکل می گیرد در این مرحله است که کودک نمی تواند خود را با نظام آموزشی جدید و زبان جدید وفق دهد.

در واقع کودکان در مواجهه با زبان جدید دچار شوک غیرقابل تصویری می شوند.

کودکان در این مناطق با تحمیل زبان غیرمادری دچار فشارهای روحی و روانی زیادی می شوند.

معمولاً این مناطقی در کشور ایران با کمبود اعتبارات و امکانات آموزشی مضاعف هم روبه رو هستند.

بیسوادی والدین خود می تواند تشدید کننده فشار بر این گروه از کودکان باشد.

با توجه به آمارهای ارائه شده توسط دولت، آموزش و تحصیل در مناطقی که به زبان مادری (کردستان، آذربایجان،

ترکمن صحرا، بلوچستان و...) وجود ندارد، کودکان دچار افت تحصیلی شدیدی می‌باشند و بیشترین مردودی در این مناطق دیده می‌شود، و بدین وسیله تحقیر و ممنوعیت تحصیل به زبان مادری باعث می‌شود که کودکان از تحصیل محروم شوند.

در این جاست که به مرور اهدافی چون زبان مشترک و ادبیات مشترک و... پیوندهای مادی و معنوی اجتماعی رنگ می‌بازد و افق و چشم انداز اهدافی چون ادبیات و فعالیت‌های فرهنگی و مجموعه ای از هویت انسانی مشترک که سرچشمه اش از کودکی می‌تواند شکل بگیرد از بین می‌رود.

وقتی فرد نتواند به وسیله زبان ارتباط بگیرد اختلال در آگاهی به وجود می‌آید و عموماً تبعیض و نابرابری باعث از هم پاشیدن شیرازه جامعه می‌گردد. مسایلی از قبیل کشمکش‌های ملی و ناسیونالیستی متعاقب آن به وجود می‌آید.

اگر کودکان بتوانند دوره ابتدائی را با زبان مادری بگذرانند و به مرور در کنار آن زبان فارسی را یاد بگیرند که زبان رسمی آموزش می‌باشد، این روش علاوه بر این که علمی است و برابری طلبانه می‌باشد، حس تحقیر کودک و سرکوب احساسات آن را از بین می‌برد.

حق تحصیل به زبان مادری یک حق ابتدائی و مسلم هر انسانی است در حالی که حکومت اسلامی ایران، اکثریت مردم ایران را از این حق ابتدائی محروم کرده است. اما به دلیل بی توجهی مسئولان حکومت اسلامی به کودکان و اساساً ضد کودک بودن این نظام، این موضوع برای حکومت اهمیتی ندارد.

به دلیل فقر شدید بین خانواده ها و گاهی تعصب ناشی از فرهنگ، سهم دختران برای تحصیل به مراتب کمتر از پسران است و با افزایش هرروزه فقر در جامعه ایران، تعداد کودکانی که از چرخه تحصیل خارج می‌شوند رابطه مستقیمی وجود دارد. هر ساله کودکان بیشتری قربانی سیاست‌های ناسیونالیستی و تبعیض آمیز دولت می‌شوند.

در نظام جمهوری اسلامی آموزش به زبان مادری برابر با تجزیه طلبی به حساب می‌آید. حکومت ایران از ترس جدائی و تجزیه طلبی و همواره در جدل و کشمکش این موضوع بوده است. و تلاشش بر این بوده که مردم را از زبان مادری شان محروم سازد.

با این کار حرمت انسانی زیر پا نهاده می‌شود و نسلهائی را به سوی تباہی می‌کشاند.

با توجه به این که در کشور ایران بیش از نیمی از مردم آن به زبانهای غیر فارسی صحبت می‌کنند و اقوام و فرهنگهای متعددی در این سرزمین در کنار هم بوده اند و به همین دلیل مطالبات معقول ملتها با زبانهای مختلف شکل گرفته است.

از اینرو ضروری است که کلیه فعالان آزادیخواهان و برابری طلبان عرصه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در جهت رفع ممنوعیت زبان مادری تلاش کنند.

این مبارزه نه مبارزه ای علیه مردم فارس و غیر فارس می‌باشد بلکه مبارزه ای علیه حکومت فاشیستی اسلامی است.

بی توجهی به حق تدریس به زبان مادری صدمات غیرقابل جبرانی به کودکان و جامعه آینده ایران وارد می‌آورد.\*

منبع: نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۱۳ - فروردین [حمل] ۱۳۹۳